

تبیین اثربخشی سرمایه اجتماعی بر گسست تله فقر فضایی مورد مطالعه: سکونتگاه‌های روستایی شهرستان بابل

فرامرز بریمانی^۱، مرتضی مهرعلی تبار فیروزجایی^{۲*}

استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
پژوهشگر مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری، سازمان برنامه و بودجه کشور، تهران، ایران.

DOI: [10.22077/vssd.2020.3890.1014](https://doi.org/10.22077/vssd.2020.3890.1014)

چکیده

فصل مشترک بیشتر مطالعات پژوهشگران در مورد سکونتگاه‌های روستایی واقع در نواحی کوهستانی - جنگلی کشورهای جهان سوم بیانگر این است که در این نواحی علاوه بر شدت بالای فقر، مدت طولانی فقر حائز اهمیت است و این فرآیند موجب شکل‌گیری تله فقر شده است. پژوهش حاضر در پی آن است که دریابد سرمایه اجتماعی چه تأثیری بر گسست تله فقر فضایی در این نواحی دارد؟ جامعه آماری این پژوهش، اعضای انجمن‌های اعتبار و پس‌انداز در نواحی روستایی جنگلی - کوهستانی شهرستان بابل بوده که مطابق با فرمول کوکران، ۲۱۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شده است. پس از گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته، تجزیه و تحلیل آن با استفاده از آزمون‌های آماری در نرم‌افزار SPSS 22 و همچنین به کمک مدل‌یابی معادلات ساختاری در رویکرد حداقل مربعات جزئی به کمک نرم‌افزار smart-PLS انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که انجمن‌ها به مثابه سرمایه اجتماعی بر سرمایه‌های معیشتی به مثابه نماگرهای تله فقر فضایی با شدت همبستگی متفاوت رابطه مثبت و معنادار دارد. همچنین، سرمایه اجتماعی توان تبیین ۶۲ درصد از واریانس سرمایه مالی، ۶۸ درصد از واریانس سرمایه انسانی، ۶۵ درصد از واریانس سرمایه اقتصادی، ۶۶ درصد از واریانس سرمایه فیزیکی، ۴۹ درصد از واریانس سرمایه طبیعی، ۵۲ درصد از واریانس سرمایه نهادی و ۵۶ درصد از واریانس سرمایه فرهنگی را داراست. از این‌رو تأثیر مقوله‌های آگاهی، اعتماد، حمایت، انسجام و مشارکت تحت عنوان یک سازه کلی به نام سرمایه اجتماعی بر گسست فقر فضایی مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین با تقویت هر یک از این مولفه‌ها می‌توان با ارتقاء سطح سرمایه‌های معیشتی و گسست تله فقر فضایی در نواحی روستایی دست یافت.

تاریخ دریافت:

۲۵ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش:

۱ آذر ۱۳۹۹

صفحات: ۲۲-۱



کلید واژگان:

سرمایه اجتماعی، تله فقر فضایی، سرمایه‌های معیشتی، نواحی روستایی.

۱- مقدمه

سکونتگاه‌های روستایی کوچک و پراکنده در کشورهای متعدد جهان سهم قابل توجهی از جمعیت روستایی را به خود اختصاص داده‌اند. به نحوی که در کشور نروژ ۴۵ درصد، در یونان ۳۵ درصد، در ایرلند ۲۷ درصد، در فنلاند و سوئد ۲۰ درصد، در کانادا ۱۳ درصد از جمعیت روستایی، در این نوع از سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند (Laird & Mackie, 2014: 92) در ایران نیز نزدیک به ۴۴ درصد از کل سکونتگاه‌های روستایی ایران را شامل می‌شود که برخی از آنها در قالب روستاهای جنگلی - کوهستانی قرار می‌گیرند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

ویژگی‌های اینگونه از سکونتگاه‌ها، از نظر اجتماعی با میزان مهاجرت بالا و به تبع آن دارای رشد منفی جمعیت، پیرشدگی جمعیت، شکاف اطلاعاتی، ضعف در خدمات‌رسانی اولیه (بهداشت و درمان، آموزش، مخابرات ...) و از نظر اقتصادی با فقر، سطح بهره‌وری پایین اقتصادی، پایین بودن میزان درآمد، عدم تنوعی شغلی، تمرکز مشاغل کشاورزی با رویکرد خود معیشتی، بازار ایابی نامناسب، آسیب‌پذیری بالای اقتصادی و همچنین از نظر فضایی با تراکم پایین جمعیت، فاصله زیاد با سکونتگاه‌های همجوار و نواحی شهری، عدم شکل‌یابی شبکه منسجم حمل‌ونقل و بحران‌های طبیعی شناخته می‌شوند (Deshingkar, 2010; Laird & Mackie, 2014; Shah, 2007; Drudyp and Wallace, 1971, Dijkstra and) (Poelman, 2008; Bird et al, 2002; Bird et al, 2010; Ecotec, 2005; اما فصل مشترک اکثر مطالعات پژوهشگران، حاکی از تسلط فقر مزمن یا پایا است که بیانگر این است که علاوه بر شدت بالای فقر، مدت طولانی فقر هم در این مناطق حائز اهمیت است. این فرآیند موجبات شکل‌گیری تله فقر را فراهم آورده است (Deshingkar, 2010: 3; Bird et al,) (2002: 25; Haan and Lipton, 1998).

تله فقری که در درجه اول ناشی از جدا افتادگی و فاصله فیزیکی و سطح پایین دسترسی است و نوع خاصی از فقر، تحت عنوان تله فقر فضایی را شکل داده است (Deshingkar, 2010: 3). تله فقر فضایی، گستره سرزمینی را در برمی‌گیرد که در آنجا سرمایه معیشتی کم (سرمایه طبیعی، انسانی، اجتماعی، اقتصادی و مادی) و درآمد پایین است و به نوعی با ضعف عملکردی یک منطقه جغرافیایی در ارتباط است (Bird et al, 2002: 2). البته عده ای بر این باورند؛ از طریق تقویت سرمایه اجتماعی می‌توان به تله فقر فضایی پایان داد (Coleman, 1990; Morgan and Sorensen, 1999; Willms, 1985). با توجه به اهمیت نقش سرمایه اجتماعی در گسست تله فقر فضایی، این موضوع در روستاهای جنگلی - کوهستانی شهرستان بابل مورد واکاوی قرار گرفت، که نزدیک به ۶۰ درصد جمعیت آن روستانشین است و بخش قابل توجهی از آن، در سکونتگاه‌های روستایی کوچک و پراکنده جنگلی - کوهستانی از دو بخش بندپی شرقی و غربی این شهرستان قرار دارند که دارای ویژگی‌های یاد شده هستند و جزء مناطق محروم به شمار می‌روند. از اینرو با تاکید بر پیشفرض کارکرد سرمایه اجتماعی در گسست تله فقر فضایی، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که سرمایه اجتماعی محلی در شکل انجمن‌های اعتبار و پس‌انداز چه تأثیری بر گسست تله فقر فضایی (افزایش سرمایه‌های معیشتی) دارند؟

۲- مبانی نظریه‌ای

تله فقر فضایی، در مفهوم عام حاصل طولانی مدت تمرکز فقر مزمن در فضای جغرافیایی خاص است (bird, 2010: 2) (Mckay, Shinyekwa, 2010) و از جمله مفاهیمی است که ماهیت ترکیبی اقتصادی و جغرافیایی دارد (Fujita et al, 1999)، که می‌توان در چهار سنخ (تیپ) فضایی، الگوسازی کرد (جدول ۱).

جدول ۱- چارچوب مفهومی تله فقر فضایی

نوع	تعریف	ویژگی‌های اکولوژیکی	ضعف‌های زیر ساختی	ضعف‌های نهادی	انزوای سیاسی
نواحی و مناطق دور افتاده (فاصله اصطلاحی و محرومیت مکانی)	این مناطق می‌تواند جز مناطق کم پتانسیل یا حتی توانمند باشد. هزینه فراهم آوردن زیرساخت‌ها و خدمات بسیار بالاست. این مناطق برای فعالیت‌های غیر کشاورزی مناسب نیستند و دور افتادگی لایه محافظ برای توسعه نیافتگی ایجاد کرده است. این نواحی از مناطق مسکونی و نواحی شهری و محل کار دورند و قابلیت پیوند با بنه‌ی اصلی شهر ضعیف است.	این نواحی در انزوای جغرافیایی قرار دارند، هم دارای تراکم جمعیت بالا و هم تراکم پایین که به منابع محیطی فشار می‌آورند. موانع جغرافیایی مانند دره، کوه، باتلاق به انزوای این مناطق کمک می‌کند.	هزینه‌های بالا برای تامین زیر ساخت‌های این نواحی منجر شده به زیرساخت ضعیف و یا فقدان امکانات زیرساختی است. ضعف راه‌های ارتباطی آبی، ریلی و زمینی منجر به بالا رفتن هزینه حمل و نقل شده است.	تنوع اقتصادی پایین و رشد اقتصادی کم است. این نواحی وابستگی به کشاورزی و منابع طبیعی اند که کم بازده و سوددهی پایینی دارد. اشتغال محدود با دستمزد پایین، که با یافتن راه حل مهاجرت با تردد روزانه در شغل‌های نامن و غیر حرفه‌ای مشغول به کار میشوند، تقاضای پایین، فرمت انباشت سرمایه را محدود کرده است. در این نواحی فرصت‌های در زمینه کسب مهارت جدید دریافت اعتبار و وام و پس انداز محدود است ریسک سرمایه گذاری بالا و سرمایه اجتماعی هر چند در این مناطق بالاست اما به عنوان مانع برای دسترسی به منابع عمل می‌کند.	حوزه‌های سیاسی انتخاباتی نامتقارن و نسبتاً کوچک، بخاطر دسترسی محدود شرایط رقابت سیاسی محدود است. قدرت چانه زنی پایین و نشنیده شدن صدای مرده، بخصوص زمانی که اقلیت‌های قومی -مذهبی ساکن باشند.
مناطق کم پتانسیل و حاشیه‌ای (محرومیت اکولوژیکی)	مکانی ضعیف برای عمران و آبادانی: دامنه کوه، کنار جاده و کانال، رودخانه و انبار از جمله این مناطق اند. این نواحی قابلیت‌های محدود برای تغییرات تکنولوژیکی در منابع محیطی براساس سیستم‌های تولید دارند.	این نواحی دارای تنوع اکوسیستمی بالا، دارای منابع محیطی شکننده و تخریب شونده و آب و هوای متغیر، باران محدود، خاک فقیر دامنه‌های شیب داره مستعد برای آسیب- پذیری در برابر خطرات از جمله ویژگی‌های این نواحی است.	هزینه‌های بالا برای تامین نیازهای اولیه (مسکن، آب، حمل و نقل و آموزش و بهداشت) این مناطق را برای زندگی نامطمئن کرده است. گردش مالی پایین بخاطر سطح بهره‌وری پایین در این مناطق و وابستگی به بارانه‌های دولتی و وجوه بیرونی از دیگر مشخصه‌های این مکان می‌باشد.	در این نواحی زیرساخت‌های اجتماعی - اقتصادی نامناسب، تراکم جمعیت پایین و سرمایه اجتماعی و انسانی در سطح پایینی قرار دارد. مهاجرت به مناطق دیگر که عواقب مثبت و منفی آن بسته به دارایی‌های مهاجران دارد. این مناطق شامل نواحی فقیر با رشد اندک در مراکز هستند.	از لحاظ سیاسی این مناطق معمولاً نادیده گرفته نمی‌شوند؛ اما محرومیت‌های طبیعی ممکن است بر آگاهی مردم تاثیر گذار باشد و منجر به تبعیض، نابرابری گردد. در اختیار داشتن زمین‌های غیرقانونی نیز زمینه‌های آسیب پذیر افراد افزایش می‌دهد.
مناطق کم ظرفیت (محرومیت سیاسی)	این مناطق هم می‌تواند با پتانسیل بالا باشد و هم مناطق با پتانسیل کی کیفیت خدمات رسانی، امکانات زیرساختی امکانات پستی در این نواحی ضعیف می‌باشد. سرمایه گذاری خصوصی در این نواحی صورت نمی‌گیرد و پس انداز به خارج از این مناطق سوق داده می‌شود.	الگوی مشخصی ندارد.	فقدان خدمات برای شرکت‌ها و ساکنانی غیررسمی و غیرقانونی. سرمایه محدود در زمینه حمایت اجتماعی و خدمات اولیه که موجب می‌شود گردش مالی پایین بیاید. خطر سقوط بازار کار در نتیجه جنگ و درگیری و مرگ و میر.	دسترسی محدود به بازار، تراکم پایین جمعیت، باقی‌مانده‌های تکلیف و غیر کارا، افراد پیر، نوجوانان و کودکان، ملول و بیمار.	عدم حمایت در برابر سوء مدیریت مقامات اداری و دولتی، فقدان نهاد توانمند که از حقوق شهروندی دفاع کند. هیچ محافظ امن در برابر حقوق افراد وجود ندارد.

در مجموع عوامل موثر در شکل گیری تله فقر فضایی عبارتند از:

۱- شرایط اکولوژیکی: ویژگی های اکولوژیکی از آنجا که قابلیت های افراد را در تامین نیازهای اساسی تحت تأثیر قرار می دهند، به عنوان یکی از عوامل ایجاد تله فقر فضایی شناخته می شوند. مانند محدودیت خاک، آب، مقدار بارش و ...

۲- ضعف های نهادی، سیاسی و دولت ها: انسجام بین دولت مرکزی و شهروندان مناطق دوردست و حاشیه ای ممکن است ضعیف باشد و در صورتی که اراده سیاسی وجود نداشته باشد ارائه مطلوب خدمات به مناطق خاص به خطر بیافتد. از سوی، مسئولان معمولاً بخاطری دوری؛ کم به این مناطق سفر کرده و مشکلات آنها را از نزدیک لمس می کنند و از آنجا که صدای اعتراض ساکنان این نواحی ضعیف است؛ این نواحی کمتر در فرآیند برنامه توسعه به چشم می آیند (Benson et al, 2005: 3).

۳- انگ نهادن و تبعیض^۱: نگاه خاص به مناطق جغرافیایی براساس قومیت، مذهب و فرهنگ می تواند منجر به محرومیت اجتماعی و تبعیض علیه افراد در این مناطق شود. این عامل می تواند منجر به بی ثباتی و ناامنی سیاسی شده و افزایش نابرابری اجتماعی - اقتصادی را در پی دارد. گروه های اجتماعی محروم در صورتی که به مناطق توسعه یافته تر مهاجرت نکنند؛ از نابرابری های بازار کار، اعتبار، مسکن در رنج اند. آنها همچنین بخاطر ناامنی های سیاسی مورد سرزنش قرار می گیرند و نخبگان سیاسی در این فضاها امکان فعالیت ندارند.

۴- انزوای فیزیکی و ضعف سرمایه گذاری های زیرساختی: مناطق روستایی کم طرفدار و دورافتاده بخاطر تراکم جمعیت پایین و بخاطر هزینه های بالا برای ارائه خدمات عمومی در مقایسه با مناطق شهری که جمعیت بیشتری دارند و از لابی سیاسی قوی تری برخوردار هستند، از توسعه عقب می مانند. زیرساخت هایی نظیر حمل و نقل دسترسی متقابل بازار و ساکنین و دسترسی به خدمات را فراهم می کند و همچنین سرمایه و نیرو کار، اطلاعات و ایده ها و تکنولوژی جدید به جریان می افتد و توسعه یکپارچه منطقه ای اتفاق می افتد. کمک های دولت در زمینه سرمایه گذاری زیرساختی می تواند در ارتقاء سطح استاندارد زندگی و توزیع فقر تأثیرگذار باشد. سرمایه گذاری ناکافی در نواحی خاص باعث دسترسی به بازار محدود می شود (Bird et al, 2010: 10). در این زمینه اوامو^۲ (۱۹۹۸) نشان داد که فاصله از بازار و جاده با ایجاد هزینه اضافی بهره بردارن محلی بر قدرت تصمیم گیری تولید کننده و مصرف کننده تأثیر می گذارد. همچنین انزوا بر قدرت تولید خرده پاهای، تولید و تامین غذا برای شهرنشینان، خرید کالا و دریافت خدمات از شهر تأثیرگذار می باشد و عدم شکل گیری فضای منسجم و فقدان شبکه ارتباطی موجب می شود که یکپارچگی بازار ناقص بماند (Minot and Ngigi, 2004).

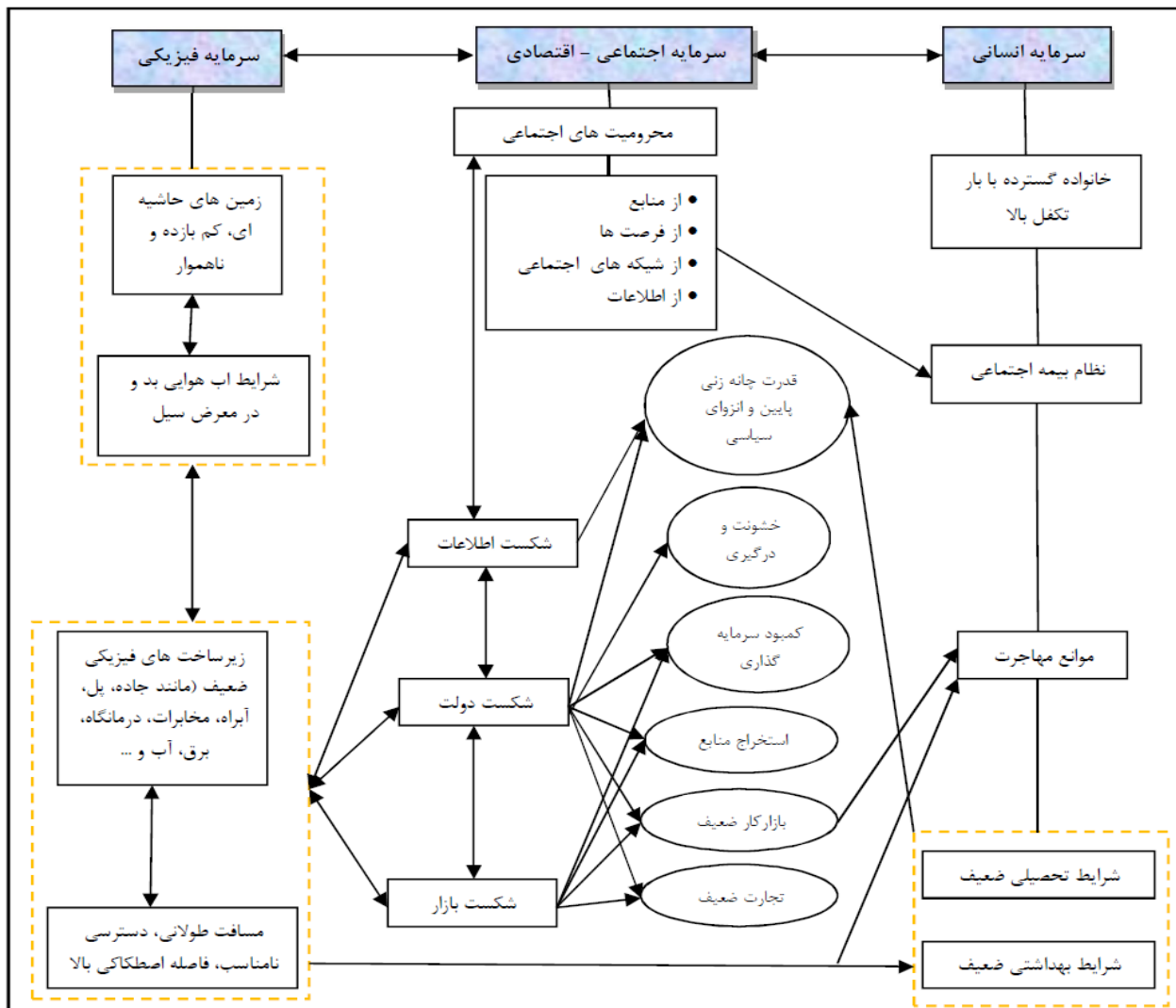
۵- ارائه محدود خدمات (بهداشت و آموزش): بررسی های بانک جهانی (۲۰۰۰) در نواحی روستایی دورافتاده به عنوان نواحی مستعد تله فقر فضایی نشان داده است که بسیاری از افراد نمونه این مناطق از آموزش، آب آشامیدنی و مراقبت های بهداشتی اولیه بی بهره بوده اند؛ چرا که فاصله و مشکلات دسترسی سطح هزینه را بالا برده و در نتیجه ساکنان این نواحی از لحاظ تامین خدمات اولیه در رنج هستند (World Bank, 2000). شواهد گسترده نشان می دهد که در برخی از کشورها سطح

1. Stigma and exclusion
2. Omamo

آموزش و بهداشت نواحی روستایی پراکنده جنگلی - کوهستانی و دورافتاده، حتی از میانگین نواحی روستایی همان کشور پایین تر است. نابرابری در توزیع مدارس و مراکز خدمات بهداشتی تفاوت‌های فضایی را در مراقبت از کودکان و سطح برخورداری از بهداشت ایجاد نموده است. دوری، هزینه دسترسی به خدمات پزشکی را افزایش داده و همچنین استقبال کم مدیران و معلمان و پزشکان متخصص و کمبود پرسنل ماهر و پایین بودن سطح کیفی خدمات آموزشی و بهداشتی و محدودیت ارائه امکانات برای برنامه‌های آموزشی فوق‌العاده منجر به پایین آمدن سطح سرمایه انسانی در این مناطق شده است و نهایت منجر به بروز تله فضایی فقر می‌گردد.

۶- محدودیت در ارتباطات، رسانه‌ها و فناوری اطلاعات: سطح پایین پوشش مناسب شبکه‌های ارتباطی و محدودیت در دسترسی به اینترنت و تلفن همراه یکی از دلایل شکل‌گیری فضاهای تله فقر می‌باشد. در این نواحی ایستگاه‌های تلویزیونی و رادیویی ضعیف عمل نموده و به سختی به روزنامه دست پیدا می‌کنند. بی‌اطلاعی از بازار، بی‌سوادی و قدرت چانه‌زنی پایین و مورد سوء استفاده قرار گرفتن از سوی خریداران محصولات تولید شده در نواحی تله فقر از نتایج این روند می‌باشد (Bird et al, 2010: 9).

۷- جرم و ناامنی: بررسی الگو جرم‌خیزی نشان می‌دهد که فضاهای تله فقر در زمینه وقوع جرم بسیار مستعد هستند و این عامل بر تداوم این فضاها در فقر دامن می‌زند. در ماداگاسکار با بررسی حضور پلیس در مناطق مختلف؛ چنین برآورد شد که جدا افتادگی و انزوای مناطق موجب فرصت حضور مجرمان را مهیا کرده و اثربخشی اجرای قانون را کاهش داده است. همچنین این امر موجب رشد بی‌اعتمادی میان اقوام مختلف شده است که این امر گاهی با سرقت اموال، انبار و احشام و قتل و تجاوز به عنف همراه می‌شود. از آنجا در این مناطق امکانات گذاران اوقات فراغت و سرگرمی‌ها کم است زمینه برای درگیری خشونت، مصرف الکل قتل و تجاوز مهیا می‌گردد. سطوح بالای جرم و جنایت در فضاهای تله فقر بر اقتصاد، کسب و کار، پس‌انداز تأثیر منفی داشته و هدر رفتن منابع را در پی دارد (Bird et al, 2010: 8). از سویی بسیاری از محققان سرمایه‌های معیشتی را به عنوان معرف‌های تله فقر فضایی می‌دانند (شکل ۱).

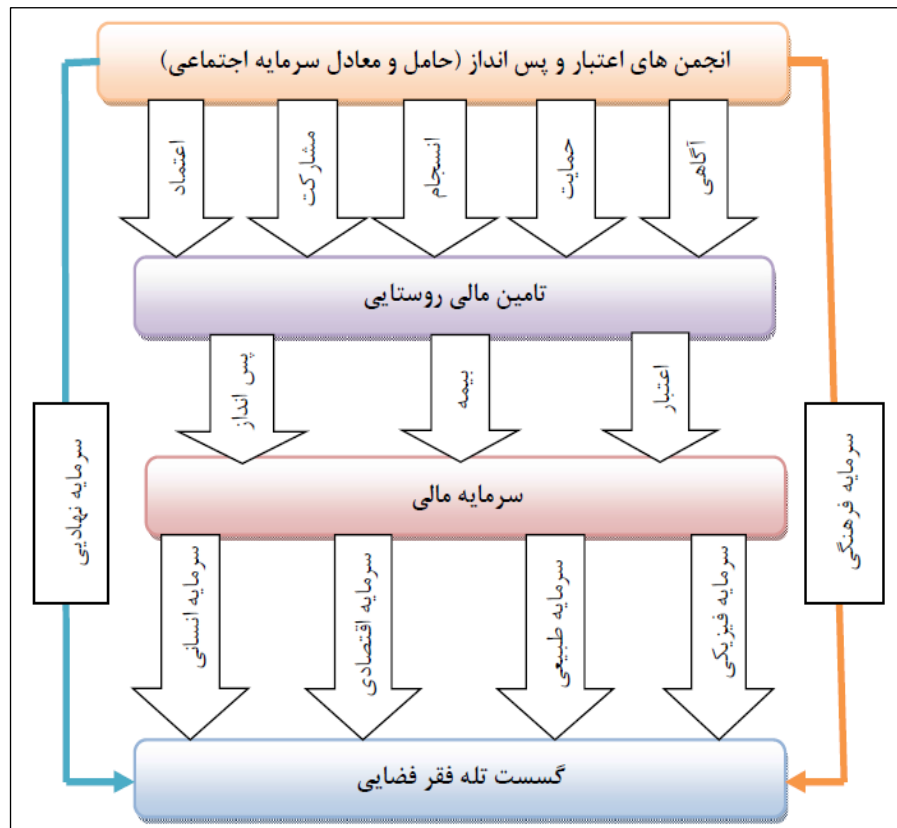


شکل ۱- تله فقر فضایی بر اساس سرمایه معیشتی ضعیف

منبع: Moore, 2002: 8

در پایان، با توجه مطالعات پیشین و ادبیات نظری مرتبط با پژوهش می توان الگوی نظری را پیش بینی نمود که سرمایه اجتماعی به مثابه متغیر مستقل، بطور مستقیم و یا غیرمستقیم موجبات ارتقاء دارایی معیشتی دیگر را فراهم می آورد و با فراهم آمدن بستر ارتقاء سطح دارایی های معیشتی زمینه گسست تله فقر فضایی در نواحی روستایی کوهستانی - جنگلی فراهم می گردد. اما مطلب حائز اهمیت نحوه و مسیر علی و معلولی اثر بخشی سرمایه اجتماعی بر توسعه نواحی روستایی کوهستانی - جنگلی است. در این زمینه می توان بیان نمود که انجمن ها به مثابه سرمایه اجتماعی با فراهم آوردن بستر تامین مالی بر سرمایه مالی اثرگذار است و از اینرو سرمایه اجتماعی بطور غیرمستقیم با ارتقاء سطح سرمایه مالی موجبات ارتقاء سطح سرمایه های انسانی، اقتصادی، فیزیکی و طبیعی را فراهم می آورد. علاوه بر این سرمایه اجتماعی بطور مستقیم نیز بر این

سرمایه‌ها و سرمایه‌های فرهنگی، نهادی اثرگذار است. سپس با ارتقاء سطح دارایی‌های معیشتی زمینه گسست تله فقر فضایی در نواحی روستایی جنگلی - کوهستانی محقق می‌گردد (شکل ۲).



شکل ۲- مدل نظریه‌ای پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

گروه‌های مالی داوطلبانه از راه‌های مختلف باعث افزایش سطح درآمد، پس‌انداز، ارتقای ظرفیت وام‌گیری و بالا رفتن پایداری شغلی شده است و تا حدی امکان گریز از فقر را برای روستاییان فراهم نموده است (Sharma, 2001) و همچنین آنها زمینه افزایش درآمد و رفاه خانوار، ایجاد اشتغال، افزایش ظرفیت پس‌انداز (Puhazhendi & Badatya, 2002) افزایش اعتماد به نفس، ارتقاء سلامتی و سرمایه اجتماعی و افزایش آگاهی (Premchander et al, 2007; Rathinam and Natchimuthu, 2010) و موجبات تسهیل در دستیابی به رفاه مادی خانواده‌های روستایی و جوامع روستایی از جمله امکانات رفاهی منزل و خرید خودرو و همچنین بهبود کیفیت زمین کشاورزی و تامین آب و کیفیت محیط زیست (Das and Bhowal, 2013) را فراهم نموده است. تشکلهای مالی مردم‌نهاد روستایی در اجرای موثر برنامه‌های دولت برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی از طریق فعالیتهای بخش سوم در آموزش، بهداشت، کشاورزی، توسعه اجتماعی، انرژی، محیط زیست و زباله بسیار برجسته است (Enyioko, 2012) و از سوی دیگر آنها با افزایش توان مقابله با زمینه‌های آسیب‌پذیری اعضای منجر

به تقسیم خطر در مقابل فشارهای اقتصادی می‌گردند (Rosenzweig, 1993) و بعنوان پشتوانه‌ای‌اند که خانوارهای روستایی در مواقع بحران‌های مالی از این موقعیت بهره می‌گیرند (Marr and Onumah, 2004).

افزایش مهارت فردی زنان و مردان عضو انجمن‌ها در کسب و کار و افزایش خدمات بهداشتی زنان و کودکان (J. Beyeza-Kashesya et al, 2009)، افزایش توانایی روستاییان در پس‌انداز و دریافت وام و تنوع شغلی، افزایش آگاهی، افزایش مشارکت و برخورداری مناسب‌تر از خدمات اساسی مورد نیاز زندگی مانند آموزش، بهداشت و خرید خودرو و لوازم منزل (Collins, D et al, 2009)، تقویت برخی از مولفه‌های سرمایه اقتصادی، انسانی و اجتماعی و فیزیکی هم در سطح فردی و هم در سطح خانوار مانند تنوع بخشی به اشتغال خانوار، بالا رفتن سطح هزینه، آموزش و پرورش، دستیابی به خدمات بهداشتی، سطح تغذیه و کیفیت مسکن (Brannen, 2010) و همچنین بالا رفتن سطح تولید خانوارهای روستایی و افزایش دارایی‌های غیرمولد و پس‌انداز، تهیه وسایل مورد نیاز منزل، افزایش‌های فعالیت‌های درآمدزا، پایدار تولید و قوی شدن ارتباط با اجتماع محلی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های محلی (Allen and Hobane, 2004) از دیگر کارکردهای چنین تشکلهای داوطلبانه به شمار می‌آید. ادامه بررسی‌های مربوط به پیشینه پژوهش حکایت از این دارد که این انجمن بر سطح رفاه خانوارهای عضو، آموزش، سلامتی و همچنین تقویت کشاورزی اعضا و خرید لوازم مورد نیاز کشاورزی (Ksoll, et al, 2013) تأثیر گذاشته و همچنین این سازمان ظرفیت بالایی برای توانمندسازی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جوامع محلی دارا هستند و افزایش درآمد خانوار، متنوع‌سازی فعالیت‌های معیشتی، ایجاد خود اشتغالی، کاهش فقر، افزایش توانمندی اعضا بهبود محیط زیست از جمله متغیرهای متأثر شده می‌باشند (Uddin, 2011).

عضویت در گروه‌های خودیار افزایش توانمندی اقتصادی، گسترش فرصت‌های شغلی، افزایش ظرفیت زنان در مدیریت بحران، افزایش درآمد و افزایش فعالیت اجتماعی زنان را در پی داشته و با وجود این گروه‌ها زمینه حضور موثر زنان در جامعه را فراهم شده و حتی ضعیف‌ترین‌شان به مسائلی بانکی آگاه شده‌اند و استقلال و امنیت درآمد آنها بواسطه افزایش توانمندی‌های‌شان ارتقاء یافته است (Sivachithappa, 2013). در همین راستا می‌توان به اثرات انجمن‌ها به کاهش فقر و در کل بهبود اوضاع اجتماعی - اقتصادی فقرا اشاره کرد که خود به طور مستقیم و غیرمستقیم بر کودکان در معرض آسیب روستایی؛ کاهش آسیب‌پذیری و ارتقاء سطح مهارت، سلامت، رفاه و آموزش کودکان بسیار اثرگذار بوه است (Zucca et al, 2014). مقوله‌هایی نظیر ارتقاء سطح دارایی‌های فیزیکی خانواده‌های روستایی، پس‌انداز کردن، ارتقاء هزینه‌های آموزش و بهداشتی، رونق خرید و فروش و مشارکت‌های اجتماعی (Coleman, 1999)، کاهش فقر ساکنان منطقه افزایش کیفیت مواد غذایی، مسکن، مراقبت‌های بهداشتی و فعالیت‌های کسب و کار، تسهیل اشتراک‌گذاری اطلاعات، اعتماد و کاهش رفتارهای فرصت طلبانه، تسهیل تصمیم‌گیری‌های جمعی و ارتقاء سرمایه اجتماعی (Yusef et al, 2009)، افزایش خرید لوازم منزل و پوشاک (جانسون و روگالی، ۱۳۸۳: ۳۰) از جمله مقوله‌هایی هستند که پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که از فعالیت اینگونه انجمن‌ها متأثر شده‌اند.

بررسی نقش انجمن‌های مالی داوطلبانه در محیط‌های روستایی کشور ایران نشان می‌دهد که گروه‌های مالی خودیار آسیب‌پذیری افراد و خانوارهای عضو را در برابر بحران‌های طبیعی و انسانی کاهش داده (طیپی و نجفی، ۱۳۹۰) و همچنین

در مواردی مانند زلزله بم، صندوق گروه‌های داوطلب خرده وام‌دهی زنان، بستری برای بازسازی شبکه همسایگی و شبکه اجتماعی تخریب شده گردیده و علاوه بر آن موجب بازسازی سرمایه اقتصادی، روانی و اجتماعی از دست رفته شده است. همچنین این گروه‌ها موجب اعتماد، مشارکت‌پذیری، ارتقای شخصیت زنان، احساس رضایتمندی، کاهش احساس بی‌قدرتی و ارتقاء روحیه امیدواری پس از زلزله شده است (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۹).

۳- روش، تکنیک‌ها و قلمرو

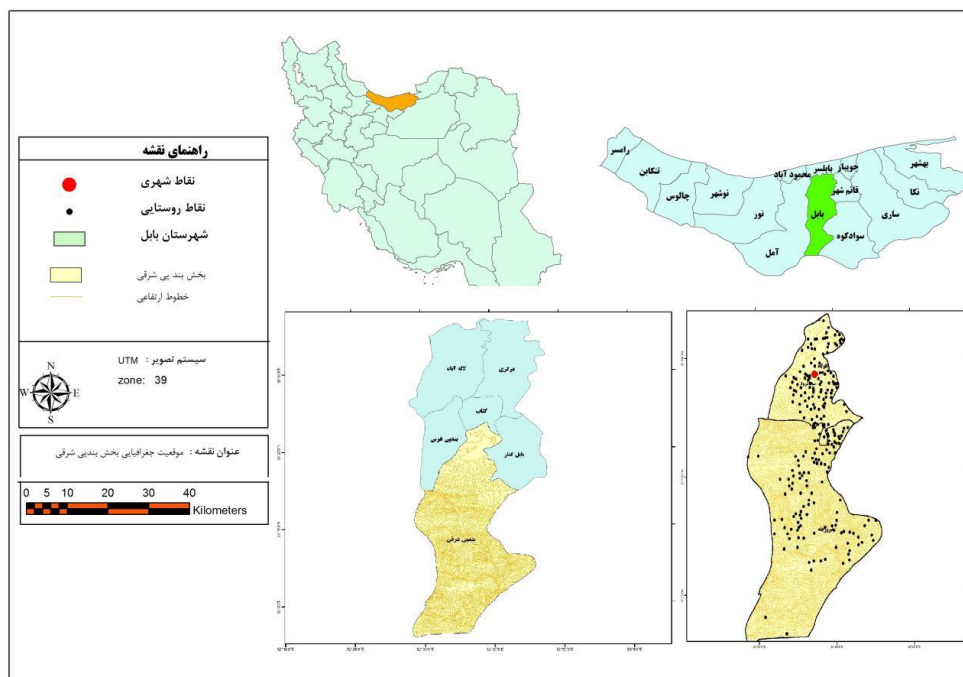
پژوهش حاضر از نظر هدف از نوع کاربردی و از حیث گردآوری داده‌ها توصیفی - پیمایشی و از لحاظ نوع داده، از نوع کمی است. در این راستا، مطابق با فرمول کوکران از جامعه آماری ۴۷۳ نفره، تعداد ۲۱۵ نفر به عنوان افراد نمونه انتخاب شده و مطابق با شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای پرسشنامه‌های محقق ساخته توزیع گردیده‌اند. گفتنی است جامعه آماری پژوهش انجمن - های اعتبار و پس‌انداز روستایی روستاهای منطقه بندپی شرقی‌اند که پژوهشگر توانست در مدت انجام تحقیق، تعداد ۲۶ تا از آنها را شناسایی کند که از تعداد اعضای متفاوت تشکیل شده‌اند.

پرسشنامه تدوین شده برای گردآوری داده‌ها مطابق با ادبیات نظری، در برگزیده یک متغیر مستقل با ۵ شاخص و ۲۵ گویه و یک متغیر وابسته؛ شامل ۷ متغیر و ۲۳ شاخص است که در قالب ۷۸ گویه اندازه‌گیری شده‌اند؛ هست (جدول ۲). مقیاس اندازه‌گیری براساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت است که از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق امتداد می‌یابد. گفتنی است با توجه به اینکه تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری در رویکرد حداقل مربعات جزئی انجام پذیرفته است و همچنین از آنجا در روال معمول تحلیل داده‌ها در این شیوه مبتنی بر طی سه مرحله ارزیابی مدل اندازه‌گیری (روایی و پایایی) و ارزیابی مدل ساختاری و ارزیابی کلی است؛ بنابراین در بخش تحلیل یافته‌ها به تفصیل روایی و پایایی ابزار پژوهش تبیین می‌گردد. در بررسی نحوه اثربخشی انجمن‌ها بر توسعه نواحی روستایی برآزش مدل و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری، از روش حداقل مربعات جزئی و نسخه سوم Smart - PLS بهره گرفته شده است.

جدول ۲- شاخص‌ها و گویه‌های سنجش متغیرهای وابسته و مستقل

متغیرها	شاخص‌ها	منبع	تعداد نماگرها
	حمایت	Ksoll, C, et al, 2013; J. Beyeza-Kashesya et al, 2009; Brannen, 2010;; Marr and Onumah, 2004; Brannen, 2010	۵
سرمایه	مشارکت	Allen and Hobane, 2004; Ksoll, C, et al, 2013; Uddin, 2011	۴
اجتماعی	اعتماد	Yusef et al, 2010, Collins, D et al, 2009	۴
	انسجام	Zucca. M et al, 2014; Allen and Hobane, 2004	۵
	آگاهی	Sivachithappa, 2013; Collins, D et al, 2009	۷
سرمایه	بهداشت	Sharma, 2001;; Uddin, 2011	۳
انسانی	تحصیلات	Ksoll, C, et al, 2013; Yusef et al, 2010,	۳
	کسب تجربه و مهارت	Yusef et al, 2010; Uddin, 2011; Zucca. M et al, 2014	۴
سرمایه	آشنایی با افراد و مکان‌ها	Ksoll, C, et al, 2013; Mohammed Salim, 2011;	۴
فرهنگی	حفظ ارزش‌ها و فرهنگ‌های بومی	Yusef et al, 2010, Collins, D et al, 2009; Zucca. M et al, 2014	۴
	حفاظت از ابنیه فرهنگی	Coleman, 1999; Sharma, 2001;	۲
	تنوع درآمدی	Sharma, 2001; Puhazhendi, V. and Badatya, KC, 2002;	۴
سرمایه	کاهش هزینه اقتصادی	Brannen, 2010; Collins, D et al, 2009 ; Zucca. M et al, 2014;	۳
اقتصادی	امکانات مادی و رفاهی	Mohammed Salim, 2011; Sivachithappa, 2013; Coleman, 1999, Yusef et al, 2010	۴
سرمایه	اعتبار و وام	Rosenzweig, 1993; Allen and Hobane, 2004; Uddin, 2011	۴
مالی	بیمه	Sivachithappa, 2013; Coleman, 1999,	۵
	پس‌انداز	Zucca. M et al, 2014; Collins, D et al, 2009;	۴
سرمایه	اسکان انسان و دام	Collins, D et al, 2009; Allen and Hobane, 2004,	۴
فیزیکی	ارتباطات فیزیکی و دیجیتالی	Uddin; 2011, ۱۳۸۳، جانسون و روگالی	۴
	تاسیسات روستا	Ksoll, C, et al, 2013;	۱
	حفاظت از محیط‌زیست	Mohammed Salim, 2011; Zucca. M et al, 2014	۴
سرمایه	منابع آب و رودخانه	Yusef et al, 2010, Mohammed Salim, 2011;	۳
طبیعی	مالکیت اراضی	Coleman, 1999; Das and Bhowal, 2013	۳
	تعداد و کیفیت دام	Ksoll, C, et al, 2013;; Yusef et al, 2010, Mohammed Salim, 2011	۳
	تسهیل بازاریابی	Allen and Hobane, 2004;	۳
سرمایه	تامین اجتماعی	Sivachithappa, 2013; Coleman, 1999,	۳
نهادی	تقویت عملکرد شورای روستا و دهیار	Yusef et al, 2010; Das and Bhowal, 2013	۳
	ارتباط با عملکرد مسئولان محلی	Sivachithappa, 2013; Das and Bhowal, 2013	۳

محدوده جغرافیایی مورد مطالعه، روستاهای کوهستانی - جنگلی بخش بندپی شرقی شهرستان بابل است. این بخش بین ۳۵ درجه و ۵۴/۵ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۲۳/۲ دقیقه عرض شمالی و همچنین بین ۵۲ درجه و ۳۱ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۱/۴۴ دقیقه طول شرقی واقع شده است (سایت استانداری مازندران، ۱۳۸۹). بخش بندپی شرقی از لحاظ توپوگرافی شامل بخش‌های جلگه‌ای، جنگلی و کوهستانی است. این بخش از شهرستان بابل با بخش‌های گتاب، بخش بندپی غربی، بخش بابل کنار، بخش لفور شهرستان سوادکوه و بخش هراز شهرستان آمل همجوار است و دارای دو دهستان فیروزجاه با وسعت ۴۴۳/۲ کیلومتر مربع و سجادرود با مساحت ۱۸۲/۷ کیلومتر مربع است که در تحقیق حاضر تمامی روستاهای دارای سکنه دائمی دهستان فیروزجاه و تعدادی از روستاهای دهستان سجادرود؛ یعنی روستاهایی که در مناطق جنگلی واقع شده‌اند، مد نظر قرار گرفته است (شکل ۳).



شکل ۳- موقعیت جغرافیایی بخش بندپی شرقی در شهرستان بابل

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

۴_ یافته‌ها و تحلیل داده

برای تحلیل مدل‌ها در روش معادلات ساختاری با رویکرد حداقل مربعات جزئی ابتدا به برازش مدل پژوهش پرداخته می‌شود. از اینرو در ابتداء به برازش الگو در سه قسمت برازش الگوی اندازه‌گیری، برازش الگوی ساختاری و برازش کلی الگو پرداخته و نهایت فرضیه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

برازش الگوی اندازه گیری

ارزیابی برازندگی الگوی اندازه گیری تأثیر سرمایه اجتماعی بر گسست تله فقر فضایی در سه بخش پایایی شاخص، روایی همگرا و روایی واگرا مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش پایایی شاخصها معیار سنجش بارهای عاملی گویه‌های یکی از معیارهای انتخابی است که حد مجاز آن، مقادیر بالاتر از ۰/۵ است، از این رو با عنایت به نتایج محاسبات و مقدار عددی قابل قبول برای معیار مذکور، در تحلیل عاملی تأییدی هیچ کدام از گویه‌های مربوط به متغیرهای پنهان الگوی مدنظر پژوهش حذف نمی‌شوند. چرا که تمامی گویه‌های دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۵ هستند.

آلفای کرونباخ معیاری دیگری است که در این قسمت به معیار درستی مدل اندازه گیری بکار گرفته شده است که حد مجاز برای آن ۰/۷ است که برابر با نتایج جدول مقادیر آلفای کرونباخ برای متغیرهای الگوی پژوهش بالاتر از مقدار منظور هست. از این رو می‌توان گفت برازش الگوی مد نظر از معیار آلفای کرونباخ از پایایی قابل قبولی برخوردار است. معیار پایانی در این بخش؛ پایایی مرکب ۱ است که همانند آلفای کرونباخ رقم بالاتر از ۰/۷ برای آن قابل قبول است. از این رو با عنایت به خروجی نتایج حاصل از محاسبات در چارچوب نرم‌افزار Smart-Pls مقدار CR برای همه متغیرها مورد تأیید است. در بخش روایی همگرا از معیار میانگین واریانس استفاده شده است. این معیار نشان دهنده میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با شاخص‌های خود است و میزان این شاخص باید بالاتر از ۰/۵۰ باشد. مقادیر این معیار برای الگوی ساختاری پژوهش حاضر با توجه به نتایج جدول بالاتر از ۰/۵ است و بنابراین می‌توان گفت از منظر این معیار هم روایی همگرایی مدل اندازه گیری مطلوب است (جدول ۳).

جدول ۳- بارهای عاملی، آلفای کرونباخ، پایایی مرکب و میانگین واریانس الگوی تدوین شده

متغیرها	شاخص‌ها	بارعاملی q>0/5	آلفای کرونباخ α>0/7	پایایی مرکب cp>0/7	میانگین واریانس AVE>0/5
سرمایه اجتماعی	حمایت	۰/۵۶۱	۰/۷۹۶	۰/۷۵۵	۰/۶۳۳
	مشارکت	۰/۶۲۴			
	اعتماد	۰/۶۱۱			
	انسجام	۰/۶۵۰			
	آگاهی	۰/۵۴۹			
سرمایه انسانی	بهداشت	۰/۵۵۵	۰/۸۰۹	۰/۷۹۲	۰/۷۳۳
	تحصیلات	۰/۷۱۶			
سرمایه فرهنگی	مهارت و تجربه	۰/۷۶۹	۰/۸۳۰	۰/۷۹۰	۰/۶۹۹
	آشنایی با افراد و مکان	۰/۷۰۴			
	حفظ ارزش‌های فرهنگی بومی	۰/۵۹۴			

متغیرها	شاخص‌ها	بار عاملی $q > 0/5$	آلفای کرونباخ $\alpha > 0/7$	پایایی مرکب $cp > 0/7$	میانگین واریانس $AVE > 0/5$
	حفاظت از ابنیه فرهنگی	۰/۵۵۸			
سرمایه اقتصادی	تنوع درآمدی	۰/۵۰۹			
	کاهش هزینه اقتصادی	۰/۷۹۹	۰/۸۱۲	۰/۸	۰/۷۱۳
	افزایش امکانات مادی	۰/۵۴۸			
سرمایه مالی	اعتبار و وام	۰/۷۷۷			
	بیمه	۰/۷۱۰	۰/۹۰۶	۰/۷۷۷	۰/۷۱۱
	پس انداز	۰/۶۶۶			
سرمایه فیزیکی	اسکان انسان و دام	۰/۷۱۰			
	ارتباطات فیزیکی و دیجیتالی	۰/۸۱۰	۰/۸۱۱	۰/۸	۰/۵۰۸
	تاسیسات روستایی	۰/۶۲۲			
سرمایه طبیعی	حفاظت از محیط زیست	۰/۸۴۳			
	منابع آب و رودخانه	۰/۵۵۳	۰/۸۸۸	۰/۷۰۴	۰/۶۳۳
	مالکیت اراضی	۰/۶۳۳			
	کیفیت و تنوع دام	۰/۵۶۱			
سرمایه نهادی	تسهیل بازاریابی	۰/۵۴۳			
	تامین اجتماعی	۰/۶۰۳	۰/۸۹۶	۰/۹۳۳	۰/۶۳۳
	عملکرد شورا و دهیاری	۰/۷۰۴			
	عملکرد مسئولان محلی	۰/۵۴۸			

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

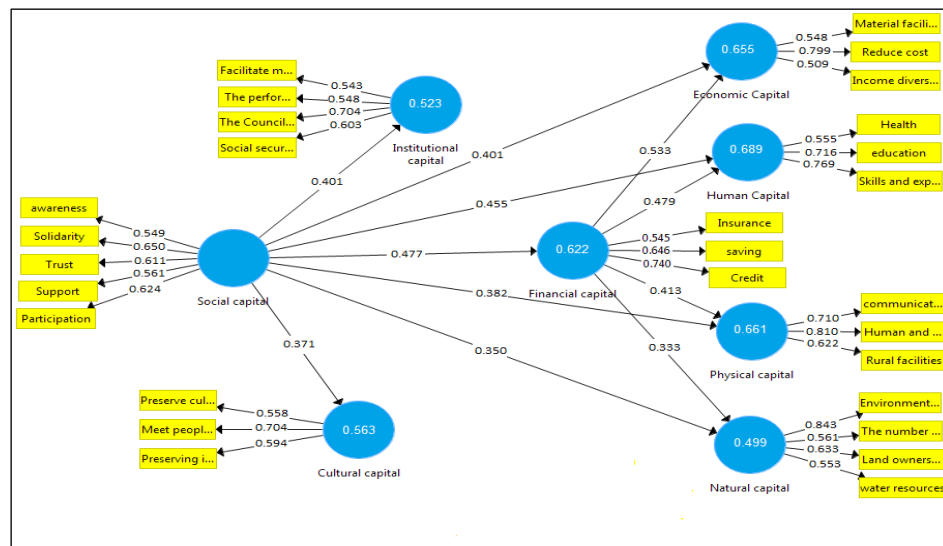
جهت بررسی روایی تشخیصی یا واگرایی مدل اندازه‌گیری، در نرم‌افزار smart-PLS از آزمون فورنل- لارکر استفاده می‌شود. همان‌طور که از داده‌های جدول ۵ برداشت می‌شود، جذر میانگین واریانس استخراج شده هر متغیر پنهان بیشتر از حداکثر همبستگی آن متغیر پنهان با متغیرهای پنهان دیگر است که نشان می‌دهد روایی تشخیصی مدل اندازه‌گیری مورد بررسی مناسب است (جدول ۴).

جدول ۴- نتایج شاخص فورنل - لارکر برای آزمون روایی تشخیصی مدل اندازه‌گیری

مولفه‌ها	سرمایه اجتماعی	سرمایه فرهنگی	سرمایه انسانی	سرمایه اقتصادی	سرمایه مالی	سرمایه فیزیکی	سرمایه طبیعی	سرمایه نهادی
سرمایه اجتماعی	۰/۹۳۱							
سرمایه فرهنگی	۰/۳۰۳	۷۵۶						
سرمایه انسانی		۴۱۵	۰/۸۶۵					
سرمایه اقتصادی		۰/۶۶۶	۰/۵۹۸	۰/۸۰۵				
سرمایه مالی		۰/۵۰۴	۰/۴۱۵	۰/۳۲۱	۰/۸	۰/۶۹۹		
سرمایه فیزیکی		۰/۶۶	۰/۳۳۳	۰/۶۵	۰/۵۱۵	۰/۹۰۳		
سرمایه طبیعی		۰/۲۱۱	۰/۲۱۵	۰/۱۱۹	۰/۴۰۶	۰/۱۱۳	۰/۷۱۹	
سرمایه نهادی		۰/۳۲۹	۰/۵۴۰	۰/۵۲۱	۰/۴۹۹	۰/۱۹۸	۰/۶۱۲	۰/۶۵۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

در ادامه محاسبات و تصویر خروجی نرم‌افزار Smart - PLS در خصوص مدل اندازه‌گیری پژوهش به شکل شماره ۴ است.



شکل ۴- بار عاملی و ضرایب مسیر الگوی پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

برازش الگوی ساختاری

برای برازش الگوی ساختاری با روش PLS از ضرایب Q^2 و معیار R^2 یا R Squares استفاده می‌شود. R^2 یا ضریب تعیین معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری الگوسازی معادلات ساختاری به کار می‌رود و

نشان از تأثیری دارد که متغیر برونزا بر متغیر درونزا دارد. بسیاری از محققان اندازه R^2 را در الگوی مسیر PLS، ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به ترتیب ضعیف، متوسط و قابل توجه توصیف نموده‌اند. هر چه مقادیر R^2 مربوط به سازه‌های درونزا بیشتر باشد نشان از برازش بیشتر الگو دارد. Q^2 یا شاخص پیش‌بینی معیاری است که استون و گیزر معرفی کرده‌اند و قدرت پیش‌بینی الگو را مشخص می‌سازد. این معیار ادعا می‌کند که الگو باید بتواند یک پیش‌بینی از معرف‌های متغیر مکنون درونزا ارائه دهد. همچنین در ارتباط با ضریب Q^2 باید گفت که هر چه این مقدار بیشتر باشد برازندگی الگوی پژوهش بیشتر است. مقادیر R^2 و Q^2 برای سازه‌های الگو مد نظر پژوهش به نحوی است که در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵- مقادیر ضریب تعیین و ضریب پیش‌بینی برای الگوی مد نظر

سازه‌ها	سرمایه اجتماعی	سرمایه فرهنگی	سرمایه انسانی	سرمایه اقتصادی	سرمایه مالی	سرمایه فیزیکی	سرمایه طبیعی	سرمایه نهادی
R^2	-	۰/۵۶۳	۰/۶۸۹	۰/۶۵۵	۰/۶۲۲	۰/۶۶۱	۰/۴۹۹	۰/۵۲۳
Q^2	۰/۴۵۵	۰/۵۰۲	۰/۴۸۵	۰/۶۱۳	۰/۵۳۹	۰/۴۸۶	۰/۵۰۱	۰/۶۰۳

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

مطابق با نتایج حاصل از جدول مناسب بودن برازش الگوی ساختاری پژوهش از منظر دو شاخص مذکور مورد تأیید است. در این راستا چنانچه در جدول ۵ مشاهده می‌گردد برای متغیر متغیر مکنون برونزا یا مستقل سرمایه اجتماعی مقدار ضریب تعیین ارائه نمی‌گردد؛ اما برای دیگر متغیرها مقدار این شاخص بیانگر این است که سرمایه اجتماعی قادر است ۵۶ درصد از واریانس متغیر سرمایه فرهنگی، ۶۸ درصد از واریانس متغیر سرمایه انسانی، ۶۵ درصد از واریانس متغیر سرمایه اقتصادی، ۶۲ درصد از واریانس سرمایه مالی، ۶۶ درصد از واریانس متغیر سرمایه فیزیکی، ۴۹ درصد از واریانس متغیر سرمایه طبیعی و ۵۲ درصد از واریانس سرمایه نهادی را تبیین نماید.

در ارتباط با شاخص Q^2 بنا به نتایج حاصل از تحلیل می‌توان گفت که این مقدار برای متغیر سرمایه اجتماعی ۰/۴۵۵، سرمایه انسانی ۰/۵۰۲، سرمایه فرهنگی ۰/۴۵۸، سرمایه اقتصادی ۰/۶۱۳، سرمایه مالی ۰/۵۳۹، سرمایه فیزیکی ۰/۴۸۶، سرمایه طبیعی ۰/۵۰۱ و برای متغیر سرمایه نهادی ۰/۶۰۳ است.

برازش الگوی کلی

پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری الگوی پژوهش، برازش کلی الگو از طریق شاخص نیکویی برازش (GOF) استفاده می‌شود. این شاخص بین صفر و یک تغییر می‌کند و اندازه نزدیک به یک نشانگر کیفیت مناسب الگو می‌باشد. مقدار GOF برابر است با میانگین هندسی متوسط شاخص افزونگی و متوسط ضریب تعیین. در واقع این معیار از طریق رابطه زیر بدست می‌آید:

$$GOF = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2}$$

به طوری که $Communalities$ نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه است و R^2 مقدار میانگین مقادیر R Squares سازه‌های درون‌زای الگو است. در ارتباط با این الگو مقدار GOF عبارت است از:

$$\sqrt{0/499 \times 0/635} = 0/562$$

با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است. از اینرو با احتساب این مقادیر معیار و مقدار منتج شده برای الگوی حاضر یعنی ۰/۵۶۲، قوی بودن برازش الگوی پژوهش مورد تأیید است.

آزمون مسیرهای مفروض

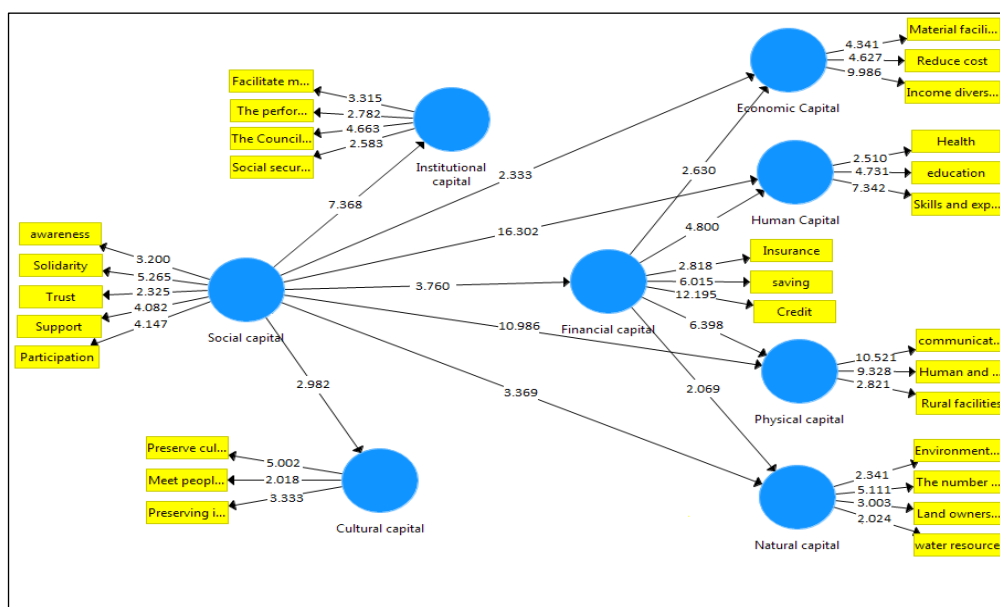
پس از کسب اطمینان از اینکه سازه‌های مورد نظر به درستی اندازه‌گیری شده‌اند، در این مرحله با استفاده از مدل ساختاری روابط بین سازه‌ها به لحاظ علی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به منظور بررسی معنی‌داری ضرایب مسیر از روش شبیه‌سازی آماری بوت استرپ استفاده شد. از این رو در این قسمت از پژوهش با استفاده از مقادیر معناداری T و ضرایب استاندارد شده مسیرهای مربوط به سازه‌ها، وضعیت فرضیه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است مقدار T فقط بیانگر معنی‌داری یا عکس آن بین متغیر وابسته و مستقل را مشخص می‌کند. از اینرو در جهت مشخص شدن شدت و قدرت ارتباط متغیرها از ضرایب مسیر (R) استفاده می‌شود که تحت عنوان ضرایب بتا استاندارد شده رگرسیون OLS تفسیر می‌شود (جدول ۶).

جدول ۶- نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

مسیرها	ضریب مسیر (β)	آماره آزمون (t)	سطح خطا استاندارد ($\hat{\alpha}$)	نتیجه
سرمایه اجتماعی \leftarrow سرمایه فرهنگی	۰/۳۷۱	۲/۹۸۲	۰/۰۰۱	تأیید
سرمایه اجتماعی \leftarrow سرمایه انسانی	۰/۴۵۵	۱۶/۳۰۲	۰/۰۰۱	تأیید
سرمایه اجتماعی \leftarrow سرمایه اقتصادی	۰/۴۰۱	۲/۳۳۳	۰/۰۰۱	تأیید
سرمایه اجتماعی \leftarrow سرمایه مالی	۰/۴۷۷	۳/۳۶۰	۰/۰۰۱	تأیید
سرمایه اجتماعی \leftarrow سرمایه فیزیکی	۰/۳۸۲	۱۰/۹۸۶	۰/۰۰۱	تأیید
سرمایه اجتماعی \leftarrow سرمایه طبیعی	۰/۳۵۰	۳/۳۶۹	۰/۰۰۱	تأیید
سرمایه اجتماعی \leftarrow سرمایه نهادی	۰/۴۰۱	۷/۳۶۸	۰/۰۰۱	تأیید
سرمایه مالی \leftarrow سرمایه طبیعی	۰/۳۳۳	۲/۰۶۹	۰/۰۰۱	تأیید
سرمایه مالی \leftarrow سرمایه فیزیکی	۰/۴۱۳	۶/۳۹۸	۰/۰۰۱	تأیید
سرمایه مالی \leftarrow سرمایه اقتصادی	۰/۵۳۳	۲/۶۳۰	۰/۰۰۱	تأیید
سرمایه مالی \leftarrow سرمایه انسانی	۰/۴۷۹	۴/۰۰۸	۰/۰۰۱	تأیید

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

با استناد به معیار قابل قبول برای T، یعنی مقدار بیشتر از ۱/۹۶، تمامی فرضیه‌های پژوهش حاضر مورد تأیید قرار می‌گیرند. چراکه مقدار T برای مسیر سرمایه اجتماعی به سرمایه نهادی ۷/۳۶۸، مسیر سرمایه اجتماعی به سرمایه انسانی ۱۶/۳۰۲، مسیر سرمایه اجتماعی به سرمایه فرهنگی ۲/۹۸۲، مسیر سرمایه اجتماعی به سرمایه اقتصادی ۲/۳۳۳، مسیر سرمایه اجتماعی به سرمایه مالی ۳/۷۶۰، مسیر سرمایه اجتماعی به سرمایه فیزیکی ۱۰/۹۸۶، مسیر سرمایه اجتماعی به سرمایه طبیعی ۳/۳۶۹، مسیر سرمایه مالی به سرمایه اقتصادی ۲/۶۳۰، مسیر سرمایه مالی به سرمایه فیزیکی ۶/۳۹۸ و مسیر سرمایه مالی به سرمایه طبیعی ۲/۰۶۹ است (شکل ۵).



شکل ۵- نتایج آزمون T الگوی ساختاری پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

در الگوی مورد نظر پژوهش علاوه بر برآورد رابطه مستقیم بین مولفه‌ها؛ یعنی رابطه بین سرمایه اجتماعی با دیگر مولفه‌های مد نظر در پژوهش، رابطه غیرمستقیم سرمایه اجتماعی با میانجی‌گری سرمایه مالی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در واقع سرمایه مالی به عنوان متغیر واسطه بین سرمایه اجتماعی و سرمایه‌های اقتصادی، انسانی، فیزیکی و سرمایه طبیعی قرار گرفته که بر تأثیر غیرمستقیم سرمایه اجتماعی صحنه می‌گذارد. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که اثر غیرمستقیم سرمایه اجتماعی بر سرمایه انسانی برابر با ۰/۲۱۴، سرمایه اجتماعی بر سرمایه اقتصادی برابر با ۰/۲۳۸، سرمایه اجتماعی بر سرمایه فیزیکی برابر با ۰/۱۸۴ و همچنین اثر غیرمستقیم سرمایه اجتماعی بر سرمایه طبیعی برابر با ۰/۱۵۸ است (جدول ۷).

جدول ۷- تفکیک اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل

مسیرها	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم	اثر کل
سرمایه اجتماعی ← سرمایه فرهنگی	۰/۳۷۱	-	۰/۳۷۱
سرمایه اجتماعی ← سرمایه انسانی	۰/۴۵۵	۰/۴۴۷ × ۰/۴۷۹ = ۰/۲۱۴	۰/۲۱۴ + ۰/۴۵۵ = ۰/۶۶۹
سرمایه اجتماعی ← سرمایه اقتصادی	۰/۴۰۱	۰/۴۴۷ × ۰/۵۳۳ = ۰/۲۳۸	۰/۲۳۸ + ۰/۴۰۱ = ۰/۶۳۹
سرمایه اجتماعی ← سرمایه مالی	۰/۴۷۷	-	۰/۴۷۷
سرمایه اجتماعی ← سرمایه فیزیکی	۰/۳۸۲	۰/۴۴۷ × ۰/۴۱۳ = ۰/۱۸۴	۰/۱۸۴ + ۰/۳۸۲ = ۰/۵۶۶
سرمایه اجتماعی ← سرمایه طبیعی	۰/۳۵۰	۰/۴۴۷ × ۰/۳۳۳ = ۰/۱۵۸	۰/۱۵۸ + ۰/۳۵۰ = ۰/۵۰۸
سرمایه اجتماعی ← سرمایه نهادی	۰/۴۰۱	-	۰/۴۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

۵- بحث و فرجام

در پاسخ به پرسش اساسی پژوهش، حاضر آیا سرمایه اجتماعی بر گسست تله فقر فضایی اثرگذار است یا خیر؟ نتایج حاصل از بررسی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی با میزان متفاوت بر تمامی ابعاد گسست تله فقر فضایی اثرگذار است و بین این دو مقوله ارتباط معنادار وجود دارد. اما در مجموع بررسی همبستگی‌های بین سرمایه اجتماعی (با نماگرهای مشارکت، حمایت، اعتماد، آگاهی و انسجام) و مولفه‌های سازه گسست تله فقر فضایی در دو شکل قابل بیان است. همانطور که در خروجی الگوریتم pls قابل درک است، سرمایه اجتماعی علاوه بر رابطه مستقیم با متغیرهای وابسته، رابطه غیرمستقیم با میانجی‌گری سرمایه مالی با متغیرهای وابسته نیز دارد.

بررسی روابط مستقیم میان سرمایه اجتماعی و سایر متغیرها حکایت از این دارد که سرمایه مالی با شدت همبستگی ۰/۴۷ بالاترین میزان همبستگی را با سرمایه اجتماعی دارا است. این همبستگی را Sharma, 2001; Puhazhendi & Badatya, 2002; Coleman, 1999 در پژوهش شان بدان اشاره نموده‌اند. این پژوهش‌ها علاوه بر همبستگی میان سرمایه مالی و سرمایه اجتماعی، همبستگی میان سرمایه اجتماعی و سرمایه اقتصادی را با شدت همبستگی ۰/۴۰ را هم مورد تأیید قرار می‌دهند. در واقع فراهم آمدن زمینه‌های مشارکت، اعتماد و انسجام بین روستاییان در نتیجه شبکه‌های اجتماعی محلی می‌تواند موجب تسهیل در دریافت اعتبار و پس‌انداز و تعاملات مالی و رونق کار کاسبی‌های روستاییان شده و از آن طریق بر سرمایه مالی و اقتصادی تأثیر بگذارد. از سوی دیگر شدت همبستگی سرمایه اجتماعی با سرمایه انسانی برابر با ۰/۴۵ است که این مقدار، همبستگی مطلوبی را بین این دو متغیر بیان می‌دارد. این ادعا را رحمانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ Puhazhendi J. Beyeza-Kashesya, Premchander et al, 2007; Rathinam and Natchimuthu, 2010 & Badatya, 2002 et al, 2009 مورد تأیید قرار داده‌اند. سرمایه انسانی در مضامین بهداشت، آموزش و مهارت‌های تجربی در تقابل با کنش جمعی روستاییان که از سویی فراهم کننده زمینه تامین مالی و از سوی فراهم کننده زمینه‌های همکاری و برداشتن سوء ظن‌ها است؛ ارتقاء می‌یابد که در ادامه این فرآیند این سیر افزایشی بصورت چرخشی ادامه می‌یابد. سرمایه نهادی با شدت

همبستگی ۰/۴۰ با مقوله سرمایه اجتماعی رابطه معنادار دارد که این نتیجه را Collins, D et al, 2009؛ طیبی و نجفی، ۱۳۹۰؛ رحمانی و همکاران، ۱۳۸۹؛ Allen and Hobane, 2004؛ K.Sivachithappa, 2013 در پژوهش شان اشاره نموده‌اند. دو خصیصه وجود مشارکت عینی و تامین مالی در انجمن‌های محلی - مالی روستایی در تسهیل مسائل نهادی روستایی مانند خرید و فروش محصولات ارتباط مسئولان محلی و تامین اجتماعی و تسهیل بازاریابی را تأثیر می‌افند و بسیاری از موانع نهادی با تشکل چنین انجمن‌های مردمی بر طرف می‌گردد. همچنین می‌توان در زمینه تأثیر چنین انجمن‌های بر سرمایه فیزیکی نیز استدلال‌های فوق را بیان نمود که در پژوهش حاضر همبستگی به بین دو مقوله با شدت ۰/۳۸ مورد تأیید قرار گرفته است. البته جانسون و روگالی؛ Yusef et al, 2009؛ Ksoll, et al, 2013؛ Collins, D et al, 2009 همین نتیجه را در پژوهش شان مورد تأیید قرار می‌دهند. سرمایه فرهنگی از جمله مقولاتی است که همبستگی آن با سرمایه اجتماعی به شکل تشکل‌های مالی محلی مورد آزمون قرار گرفته و ارتباط مستقیم و معنادار بین این دو مقوله با شدت همبستگی ۰/۳۷، همانند نتایج پژوهش‌های Yusef et al, 2009؛ Zucca. M et al, 2014 مورد تأیید قرار گرفته است. در این زمینه می‌توان گفت با مشارکت و آگاه شدن روستاییان از مظاهر و مصادیق بخش فرهنگی روستایی و در سایه انسجام و حمایت‌های متقابل ناشی از شکل‌گیری تشکل‌های محلی، آنان در جهت حفظ و ارتقاء آن همت گمارنده‌اند و نسبت به صیانت آن حساس‌تر شده‌اند. در نهایت در پژوهش حاضر همانند پژوهش‌های پیشین، نظیر Das and Bhowal, 2013؛ Enyioko, 2012؛ Uddin, 2011 همبستگی مثبت و معنادار بین سرمایه اجتماعی و سرمایه طبیعی با شدت همبستگی ۰/۳۵ به اثبات رسیده است. منابع آب و محیط‌زیست و دام از جمله مصادیق سرمایه طبیعی‌اند که در نتیجه کنش اجتماعی روستاییان در شکل تشکل‌های مالی محلی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در واقع بخشی از این تأثیر را می‌توان به علت حمایت‌های دسته‌جمعی، افزایش آگاهی، مشارکت داوطلبانه در حفاظت از منابع طبیعی روستایی استدلال نمود.

از سوی دیگر همگام با روابط مستقیم میان سرمایه اجتماعی با سایر متغیرها، میزان سرمایه مالی با میزان سرمایه‌های انسانی، اقتصادی، طبیعی و فیزیکی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار دارد. در این راستا؛ بررسی شدت همبستگی‌ها نشان می‌دهد که سرمایه انسانی با دارا بودن ارزش ۰/۶۸، بالاترین شدت همبستگی با سرمایه مالی داراست و بعد از آن سرمایه فیزیکی، اقتصادی و طبیعی به ترتیب با شدت همبستگی ۰/۶۶، ۰/۶۵ و ۰/۴۶ در رتبه‌های بعد قرار دارند. تأثیر سرمایه مالی بر این مولفه‌ها بیانگر این است که با فراهم شدن شرایط دریافت اعتبار و پس‌انداز و بیمه سطح کیفی و کمی این مولفه‌ها ارتقاء یافته است.

بررسی روابط غیرمستقیم سرمایه اجتماعی نیز بیانگر چهار ارتباط غیرمستقیم سرمایه اجتماعی یعنی رابطه غیر مستقیم با سرمایه انسانی، اقتصادی، فیزیکی و طبیعی است که به ترتیب شدت همبستگی آنها با متغیر سرمایه اجتماعی ۰/۲۱، ۰/۲۳۸، ۰/۱۸ و ۰/۱۵ می‌باشد. در نهایت با تجمیع روابط مستقیم و غیرمستقیم برآیندی بدست می‌آید که حاکی از این است که سرمایه انسانی بیشترین همبستگی را با سرمایه اجتماعی دارد که میزان شدت همبستگی بین آنها ۰/۶۶ می‌باشد و بعد از این به ترتیب سرمایه اقتصادی، فیزیکی، طبیعی، سرمایه مالی و نهادی با دارا بودن شدت همبستگی ۰/۶۳، ۰/۵۶، ۰/۵۰، ۰/۴۱۹، ۰/۴۱۷ و ۰/۴۰ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین با میزان R^2 بدست آمده از تجزیه و تحلیل می‌توان گفت که سرمایه

اجتماعی توان تبیین ۶۲ درصد از واریانس سرمایه مالی، ۶۸ درصد از سرمایه انسانی، ۶۵ درصد از واریانس سرمایه اقتصادی، ۶۶ درصد از واریانس سرمایه فیزیکی، ۴۹ درصد از واریانس سرمایه طبیعی، ۵۲ درصد از واریانس سرمایه نهادی و ۵۶ درصد از واریانس سرمایه فرهنگی را تبیین می‌نماید. از اینرو با بررسی ارزش‌های تبیین‌کننده‌گی سرمایه اجتماعی و همبستگی‌های تأیید شده، می‌توان گزاره نظری تأثیر مقوله‌های آگاهی، اعتماد، حمایت، انسجام و مشارکت را تحت عنوان یک سازه کلی به نام سرمایه اجتماعی را بر گسست فقر فضایی مورد تأیید قرار داد و به نوعی بیان نمود که انجمن‌های اعتبار و پس‌انداز به مثابه سرمایه اجتماعی در صورت تقویت در عرصه توسعه روستایی قادر است ارتقاء سطح سرمایه‌های معیشتی و گسست تله فقر فضایی را در پی داشته باشد.

۶- منابع

- جانسون، سوزان و روگالی، بن (۱۳۸۳). تامین مالی خرد و کاهش فقر، (ترجمه پیروز ایزدی)، تهران، انتشارات روستا و توسعه.
- رحمانی، مریم و همکاران (۱۳۸۹). اثر اعتبارات خرد بر مدیریت بحران: مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنان روستای پشت‌رود بم، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳۵، صص ۸۳ - ۵۱.
- طیبی، زهرا و نجفی، بهالدین (۱۳۹۰). تعیین میزان آسیب‌پذیری و شیوه مدیریت خطر در گروه‌های اعتباری خرد: کاربرد مدل تقسیم خطر و داده‌های پانل، فصلنامه اقتصاد کشاورزی، جلد ۵، شماره ۴، صص ۴۹ - ۲۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)، نتایج سرشماری آبادی‌های کشور در سال، تهران، مرکز آمار ایران.
- AIHW (Australian Institute of Health and Welfare). (2004). *A guide to remoteness classifications*, <http://www.aihw.gov.au/WorkArea/DownloadAsset.aspx?id=6442459567>.
- Allen, H. and P. Hobane. (2004). *Impact Evaluation of Kupfuma Ishungu Zimbabwe*. Arusha, Tanzania. CARE International.
- Benson, T, Chamberlin, J, and Rhinehart, I. (2005). *Why the Poor in Rural Malawi Are Where They Are: An Analysis of the Spatial Determinants of the Local Prevalence of Poverty*, FCND Discussion Paper 198. Washington, DC: IFPRI.
- Bird, K., D. Hulme, K. Moore and A. Shepherd. (2002). *Chronic Poverty and Remote Rural Areas*. Working Paper 13. Manchester: CPRC.
- Bird, K., McKay, A. and Shinyekwa, I. (2010). *Isolation and poverty: the relationship between spatially differentiated access to goods and services and poverty*. ODI/CPRC Working Paper Series (ODI WP322, CPRC WP162). London: ODI and Manchester: CPRC, University of Manchester.
- Bird, K., McKay, A. and Shinyekwa, I. (2010). *Isolation and poverty: the relationship between spatially differentiated access to goods and services and poverty*. ODI/CPRC Working Paper Series (ODI WP322, CPRC WP162). London: ODI and Manchester: CPRC, University of Manchester.
- Brannen, R. (2010). *An Impact Study of the Village Savings and Loan Association (VSLA) Program in Zanzibar, Tanzania*, A thesis submitted to the faculty of Wesleyan University, in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Bachelor of Arts with Departmental Honors in Economics.
- Coleman, B. (1999). The Impact of Group Lending in Northeast Thailand. *Journal of Development Economics* 60 (1): 105-141.

- Coleman, J.S. (1990). *Foundations of Social Theory*. Harvard University Press, CAMBRIDGE.
- Collins, D., Morduch, J., Rutherford, S., & Ruthven, O. (2009). *Portfolios of the poor: How the world's poor live on \$2 a day*. Princeton University Press.
- CPRC (Chronic Poverty Research Centre). (2004). *Chronic Poverty Report 2004-05*. University of Manchester.
- Das S, K. and Bhowal, A. (2013). Impact of micro finance: perceptions of direct stakeholders of self-help groups. *Journal of Business and Economics Research*, 2 (6), 142-157.
- Deshingkar, Priya. (2010). Migration, remote rural areas and chronic poverty in India. Overseas Development Institute, Westminster Bridge Road, London SE1 7JD, www.odi.org.uk.
- Dijkstra, Lewis., and Poelman, Hugo. (2008). *Remote Rural Regions (How proximity to a city influences the performance of rural regions)*. A series of short papers on regional research and indicators produced by the Directorate-General for Regional Policy, Regional Policy, European Commission, Available: http://ec.europa.eu/regional_policy/sources/docgener/focus/2008_01_rural.pdf
- Drudyp P. J and Wallace D. B. (1971). Towards a Development Programme for Remote Rural Areas: A Case Study in North Norfolk. *Regional Studies*, Vol. 5, pp. 281-288. Pergamon Press 1971. Printed in Great Britain.
- Ecotec, N. (2005). *Remote Rural Areas: Stimulating and managing new firm creation and Entrepreneurship*. Birmingham, United Kingdom.
- Enyioko, Newman C. (2012). Role of Non – Governmental organizations (NGOs) in rural development: A Study of the six listed NGOs in RIVERS STATE, NIGERIA. *Medonice Consulting and Research Institute*, November 21, 2012.
- Fujita, M., Krugman, P. and Venables, T. (1999). *The Spatial Economy: Cities, Regions and International Trade*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Haan, A. and Lipton, M. (1998). *Poverty in Emerging Asia: Progress and Setbacks*. Paper for the ADB. Brighton: Poverty Research Unit, University of Sussex.
- Hulme, D, & Moore, K, & Shepherd, A. (2001). *Chronic poverty: meanings and analytical frameworks*. Institute of Development Policy and Management University of Manchester, Crawford House, Oxford Road Manchester M13 9GH, United Kingdom.
- Hulme, D. (2008). *Microfinance A Way Forward*. Manchester: Books World Poverty Institute. Working Paper No. 54.
- J. Beyeza-Kashesya, A. Mugasa, F. Kaharuza. Makerere. (2009). Village savings and loans associations – an innovative community financing approach for safe motherhood, Free communication (oral) presentation. *International Journal of Gynecology & Obstetrics*, 107S2, S93–S396.
- Ksoll, C, et al. (2013). *Impact of Village Savings and Loans Associations: Evidence from a Cluster Randomized Trial*. Published the Rockwool Foundation Research Unit, Study Paper No. 56.
- Laird, J., Mackie, J. (2014). Wider economic benefits of transport schemes in remote rural areas, *Research in Transportation Economics*, 47 (2014) 92 – 102.
- Marr, A. and Onumah, G.E. (2004). *Documenting and assessing the impact of the family saving product*. Report for CARE: Bangladesh.
- Minot, N. and Ngigi, M. (2004). *Are Horticultural Exports a Replicable Success Story? Evidence from Kenya and Cote d'Ivoire*. EPTD Discussion Paper 120/MTID Discussion Paper 73. Washington, DC: IFPRI.

- Moore, K. (2002). *Multiple Vulnerabilities in Remote Rural Areas – Spatial Poverty Traps Based on Poor Geographic Capital and Covariant Risk*. Unpublished diagram for discussion.
- Morgan, S.L. and Sorensen, A.B. (1999). Parental networks, social closure, and mathematics learning: A test of Coleman’s social capital explanation of school effects, *American Sociological Review*, VOL. 64, No 5, pp. 661–681.
- Premchander, S. and Prameela V. (2007). *Empowering Women through Microfinance: A Policy and Programme Review*. Delhi: CARE India.
- Puhazhendi, V. and Badatya KC. (2002). *SHG Bank Linkage Programme for Rural Poor-Impact Assessment*. Paper presented in Seminar on SHG-Bank Linkage at New Delhi on 25 and 26 November, published by: Micro Credit Innovations Department, NABARD.
- Rathinam, U. and Natchimuthu K. (2010). *Women Empowerment in Indian Context - An Impact of Self-Help Groups on Women Livelihoods in Pondicherry*. Lambert Academic Publishing.
- Rosenzweig, R. and Wolpin, V. (1993). Credit Market Constraints, Consumption Smoothing, and the Accumulation of Durable Production Assets in Low-Income Countries: Investments in Bullock in India. *Journal of Political Economic*, 101(2):223-244.
- Shah, Amita, (2007). *Patterns, processes of reproduction, and Policy Imperatives for Poverty in Remote Rural Areas: A Case Study Southern Orissa in India*. A paper prepared for the international workshop “Understanding and addressing spatial poverty traps: an international workshop” 29 March 2007, Spier Estate, Stellenbosch, South Africa.
- Sharma, KC. (2001). Micro Financing through Self Help Groups. *Journal of Agricultural Economics*, 56 (3): 460- 461.
- Sivachithappa, K. (2013). Impact of Micro Finance on Income Generation and Livelihood of Members of Self-Help Groups – A Case Study of Mandya District, India. *Social and Behavioral Sciences*, (12) 3, 228 – 240.
- Uddin, M. S. (2011). *Role of Microcredit and Community- Based Organizations in a Wetland Area in Bangladesh*. A thesis submitted to the Faculty of Graduate Studies of The University of Manitoba in partial fulfillment of the requirements of the degree of Master of Natural Resources Management.
- Willms, J.D. (1985). Catholic-school effects on academic achievement: New evidence from the high school and beyond follow-up study, *Sociology of Education*, VOL. 58, No 2, 98–114.
- World Bank. (2000). *World Development Report 2000-2001: Poverty*. New York: Oxford University Press.
- Yusuf, N, Ijaiya. G. T, Ijaiya. M. A. (2009). Informal Financial Institutions and Poverty Reduction in the Informal Sector of Offa Town, Kwara State: A Case Study of Rotating Savings and Credit Associations (ROSCAs), (Kamla-Raj, J Soc Sci, 20(1): 71-81.
- Zucca, M. Massimo, L. (2014). Savings groups as a socioeconomic strategy to improve protection of moderately and critically vulnerable children in Uganda. *Economic Dimensions of Child Protection and Well-being*, Volume 47, Part 2, December 2014, 176–181.